

معرفی و نقد و بررسی تذکره (صبح گلشن)^۱

اثر: دکتر اسماعیل حاکمی والا

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

برگرفته از طرح پژوهشی معرفی و نقد و بررسی تذکره (صبح گلشن)

(از ص ۱ تا ۹)

چکیده:

تذکره نویسی در ایران از دیرباز رایج و مورد توجه بوده است. زیرا ایرانیان پیوندی دیرینه با شعر، یعنی کلام زیبای ظریف همراه با وزن و آهنگ داشته‌اند از این روی از سده پنجم هجری که شعر فارسی شکوفا و بالنده گشت همواره مردم ایران سخن پخته گویندگان را برای استفاده دیگران یا برای شادی دل خویش جمع نموده و همراه با نام گوینده و سراینده در دفتر و کتاب ثبت و ضبط نموده‌اند.

گویند نخستین مجموعه شعر و شرح حال شعرا که اصطلاحاً در ادب فارسی تذکره خوانده می‌شود از ابوطاهر خاتونی موفق الدوله است. وی از رجال دربار سلاجقه، در نیمه دوم قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم هجری بوده و کتاب او (مناقب الشعراء) نام داشته است. تذکره (صبح گلشن) اثر سید محترم علی حسن خان بهوپال متخلص به (سلیم) نوشته شده به سال ۱۲۹۴ هجری قمری است. این تذکره شامل شعرای قدیم و همچنین معاصر نویسنده است. وی سبب تألیف این کتاب را چنین مذکور داشته است که: پس از آنکه پدرش سید محمد صدیق حسن خان تذکره (شمع انجمن) را تألیف کرد گروهی که نامشان در آن تذکره نیامده بود دلتنگ شده بودند. از این روی به تألیف (صبح گلشن) همت گماشت. این کتاب در سال ۱۲۹۵ هجری در بهوپال هند به طبع سنگی و با قطع وزیری و کاغذ کاهی و خط نستعلیق چاپ و منتشر شده است. از این رو ما بر آن شدیم تا بخشهایی از این تذکره را که موجود بود بازخوانی و بازنویسی کنیم و در دسترس خوانندگان علاقه‌مند قرار دهیم.

واژه‌های کلیدی: تذکره نویسی، شعر فارسی، هند، تذکره صبح گلشن.

مقدمه :

مؤلف، مقدمه کتاب خود را با دو بیت آغاز نموده، با عبارات مُسَبِّح و در قالب نثر مصنوع چنین ادامه می دهد:

خدا در انتظار حمد ما نیست محمد (ص) چشم بر راه ثنا نیست
محمد (ص) از تو می خواهم خدا را الهی از تو حُبِّ مصطفی را
شمشیر زبان جوهر بیان می نماید و نشتر قلم، رگ معنی می گشاید. روزی چند است که خامه نقش گذار پدر بزرگوار میل سرمه تمنا بوده است، و رعنا طرز شوخ تذکره «شمع انجمن» خال رخسار آرزو نگر خدام جناب دانشمند اکمل نقشبند اول ازل آورد ذوقی همراه داشتند، گامی به راه دهلی برداشتند تا گام دیگر بردارند این دفتر نگاشتند. غرض نقشی است که نزدیک به سفر آراستند. نتوان گفت که به سفر استادند یا به انتخاب برخاستند. پیداست که این شگرف حالت تذکره نویسی برنتابد و پا در رکابی گردآوری نکته سنجان حال و استقبال نتواند. باقی ماندگان به جوش آمدند و حسرت فروشان در خروش. داوری می جستند و دادگری می خواستند. مهین برادر عالیقدر، به این جمع پریشان پیوست و تتمه مختصر به دامان «شمع انجمن» بست.

آری ارژنگ از مانی و بتکده از آزر، صورت از بهزاد و نگارستان از برادر، چون که دیدم هنوز واماندگان را دست آرزو دراز بود و امیدواران را از غایت شوق آواز، بر آواز حالتی بود که مایوسان از گرد و پیش و مراد است، بر آرزو خمیازه کشان انجمن و باده در سبو نتوانستم که خامه نتراشم و ورق نخراشم. سرفکر به جیب تلاش بردم و دامن گزارش به دست قلم سپردم همه به واماندگان و امیدواران رسیدم، و گاهی دست از انجمن نشینان و نگار آرایان کشیدم و از نغز گفتاران نو و کهن که در صدر انجمن و نگارستان مقدم نشسته اند آنان را که رشته تحقیق تراجم مکرر تافته ام در صورتی است که خوش آوازتر یافته ام و الا همه از تکرار گذشته به راه تازه نگاری

معرفی و نقد و بررسی تذکره (صبح گلشن) / ۳

شتافته‌ام، چون هنوز مرا از عمرگرامی مرحله سال دوازدهم فرا پیش است نه دستی به تیمار دیگران دارم و نه فکر چاره خویش، خضر این وادی و ساقی این نادى مولوى سيد محمد يوسف على صاحب، کارپرداز آستانه عليه وليعهد رياست، راز جا برانگيختم؛ و به دستياري امداد جناب موصوف رنگ تلاش و تحقيق ريختم. تذکره‌های جدید چون «آفتاب عالمتاب» قاضی محمد صادق خان اختر، و «نشر عشق» حسن علی خان عاشقی عظیم آبادی و دیگر نامهای شاذ و فاذا که نزد مولوی صاحب بودند درى از تحقيق حال گشودند و طریقه‌ای انتخاب نمودند صبوحی کشان باده سخن از این دو پیاله می کشیدند. منت خدای راکه پیاله سومین به گردش آمد و به ثلاثه غساله رسیدند. نقشی به کرسی نشست که دل می خواست و نگاری بسته آمد که هوس می جست. اگر (شمع انجمن) را نسبتی با این هر دو تذکره پسین می خواهی دانی که آتشی بود یکی هیمه بر آن افزود، یکی باد آورد و کاردی بود، یکی زخم بست و یکی نمک عرض کرد، بارخدایا تا نمک را زخم و زخم را کارد در کار است، شمع را نگار و نگار را صبح هم کنار باد.

ماده تاریخ

کتاب نو طراز (صبح گلشن)	زهی خوش تر نگار تازه مرقوم
به دل اندیشه تاریخ پیچید	زهاتف یافتم (گلزار منظوم)
	(سنه ۱۲۹۴ قمری)

این کتاب بخشهای مستقل ندارد و فصل بندی خاصی در آن صورت نگرفته است، تنها نام و شرح مختصری از احوال و آثار برخی از شاعران ایران و هند به ترتیب الفبائی نقل شده است.

شرح تفصیلی احوال مؤلف در تذکره (نگارستان سخن) تألیف سید نورالحسن خان آمده است. مؤلف در تألیف اثر خود از برخی منابع هندی استفاده کرده است

خان آمده است. مؤلف در تألیف اثر خود از برخی منابع هندی استفاده کرده است که اهم آنها عبارتند از: (نشر عشق) تألیف حسین علیخان عظیم آبادی، (شمع انجمن) تألیف نواب صدیق حسن خان، (نگارستان سخن) تألیف سید نورالحسن خان، (آفتاب عالمتاب) تألیف قاضی محمد صادق. نویسندگان مطالب کتاب بخصوص مقدمه آن را به نثر مصنوع نوشته است.

رویه‌مرفته درباره سبک نویسندگی مؤلف باید گفت گرایش وی به شیوه نثر مصنوع بوده و مخصوصاً بحث درباره هر شاعری را به نثر مسجع آغاز می‌کند. در تذکره صبح گلشن و دیگر منابعی که در هند نوشته شده به نسخ خطی تذکره مذکور اشاره نشده و تنها متذکر به چاپ بهوپال مطبع شاهجهانی ۱۲۹۵ هـ شده و اضافه کرده‌اند که این کتاب فاقد فهرست اسامی شعراست چنانکه در آغاز یا پایان همان چاپ بهوپال هم نیامده است.

«این تذکره مشتمل است بر شرح حال ۲۰۲۴ تن از شاعران به ترتیب الفبا از روی حرف اول تخلص یا اسم شاعر که اکثرشان شعرای متأخر می‌باشند. اما در مورد نام مؤلف اصلی کتاب، آقای دکتر سید علیرضا تقوی نویسنده کتاب‌های تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان نوشته است: «در مورد اینکه (صبح گلشن) از تألیفات سید محمد حسن خان نیست تردید و شکی وجود ندارد چون نمی‌توان باور کرد که یک پسر ۱۲ ساله از عهده تألیف این تذکره به این نثر منشیانه و مصنوع برآید... به احتمال قوی مؤلف آن مولوی سید محمد یوسف علی گوپاموی کارپرداز آستانه علیه ولیعهد ریاست بهوپال بوده است» (تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان، تألیف دکتر سیدعلیرضا تقوی، چاپ مؤسسه علمی، ۱۳۴۳، ص ۶۱۱)

بطور کلی به نظر نویسندگان این سطور این تذکره از جهت نوع نثر و اعتبار علمی و مستند بودن مطالب آن اثری متوسط محسوب می‌شود.

حرف الالف

«ابوعلی» شیخ ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا، شهیر به شیخ الرئیس است. حق آن است که وی در جمع حکمای اسلام رشک افلاطون و ارسطاطالیس است. در عمر شانزده سالگی بعد فراغ از تحصیل جمیع علوم عقلیه و نقلیه به تصنیف «قانون» در علم طب پرداخته و در علوم فلسفیه کوس لمن الملکی بلند آوازه ساخته؛ به این رهگذر او را متهم به کف روزندقه نمودند و حکام عصر را بر هلاکش تحریض فرمودند. ناچار به جلای وطن گفته هر جا که ملاذ یافت پوشید از چشم مدعیان بدان صوب شتافت. گویند کتاب «شفا» هنگام اختفا به خانه آهنگری در اصفهان نگاشته. وی قبل از این شهرت صاحب فتوی بود و غوامض علوم نقلیه را بلا تأمل حل می نمود. و «قرآن» شریف با هر هفت قرائت به نوک زبانش بود، و از علم حدیث حظی وافر داشته. تولدش در نواحی بخارا سنه سبعین و ثلث مایه (۳۷۰ ق) اتفاق افتاد و در سنه چهارصد و بیست و پنج از هجرت در همدان جان به جان آفرین داد.

رباعی

کفر چو منی گزاف و آسان نبود محکم تر از ایمان من ایمان نبود
در دهر چو من یکی و آن هم کافر پس در همه دهر یک مسلمان نبود

رباعی

از قعر گل سیاه تا اوج زحل کردم همه مشکلات عالم را حل
بیرون جستم زقید هر مکر و حیل هر بسندگشوده شد مگر بند اجل
«امامی» هروی از شعرای اهل فضل و کمال است و در فصاحت و شیوا بیانی و بلاغت و شیرین زبانی سرآمد اقران و امثال. مجد همگر او را بر شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی ترجیح می داد؛ مگر این تفضیلش مقبول ناقدان سخن نیفتاد. و این امامی اوقات گرامی در کرمان می گذراند و بر این نهج سخن می رانید:

عزتی دیگر بود در دامن صحرا مرا می‌گذارد هر کجا خاریست سر در پا مرا

رباعی

رازی که ازو عقل بر آشفته شود با بی خبران کجا توان گفته شود
ادراک کجا بکنه این نکته رسد الماس به خار کی توان سفته شود

«انصاری» تخلص خواجه عبدالله ابواسمعیل انصاری شیخ الاسلام و زیده محدثین و فقهای عصر و سر حلقه مقربان بارگاه باریست. نسبش به حضرت ابویوب انصاری می‌پیوندد. طبع مقدسش مضامین پاکیزه در اشعار عربی و عجمی به حسن ترکیب می‌بندد. تصانیفش بر فضل و کمال او دال است. از آن جمله «منازل السالکین» در علم سلوک شاهد. حال چند هزار اشعار فصیحی عرب بر زبانش بود و شش هزار ابیات عربی خودش نظم فرموده. در سنه ست و تسعین و ثلث مایه (۳۹۶ ق) در قندهار از زاویه بطون پا به صومعه شهود گذاشت و هشتاد و پنج سال چشم به نظاره عالم ظهور و ادا داشته. در سنه چهار صد و هشتاد و یک به سیر و سفر آخرت قدم برداشت. مناجاتش مشهور است و اشعار گهر بارش بر السنه مذکور.

رباعی

ای روی تو ماه عالم آرای همه وصل تو شب و روز تمنای همه
گریاد گران به زمینی وای به من ور با همه کس همچو منی وای همه

«بسحاق» اطعمه مخفف ابواسحاق شیرازی است. نامش احمد، پدرش پیشینه حلاجی داشت، و این ابواسحاق از موزونی طبع بنای شاعری خود بر نظم مضامین طعام گذاشت. گاهی بر زبانش شعری خالی از ذکر طعام نرفت، بنابراین به اطعمه شهرت گرفت؛ وجهش در دیباچه «دیوان» خود نگاشته که دوستی بعد از صحبت از

مرض صعب اصلاً میل به طعام نداشته برای ترغیبش به مأكولات این مذاق پسند کردم و بدین لقمات چرب و شیرین بر اکل لذائذش آوردم. و بسحاق به ملازمت شاهزاده اسکندر، نبیره امیر تیمور، مائده شیرین

جمال بره بریان و حسن دنبه کشکک چنان بردند صبر از دل که ترکان خوان نیما را»

رباعی

ای دل زمزعفر بطلب چهره زردی وی سینه زپالوده طلب مرهم دردی
سرگرم کلیچه است بخوان دلبر حلوا ای نان توبه هر تا به مکوب آهن سردی
کله پزان سحر چو سر دیگ واکنند «آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند»
کس به بالای مزعفر مکناد آش ترش که چنانم من از این کرده پشیمان که مپرس

نتیجه:

تذکره نویسی از دیرباز در ایران رایج و مورد توجه بوده است، نخستین تذکره فارسی در نیمه دوم قرن پنجم هجری تألیف شده که مناقب الشعراء نام داشته و مؤلف آن ابوطاهر خاتونی بوده است. تذکره نویسی تا روزگار ما ادامه یافته و امروزه با عنوان تاریخ شعرا و تاریخ ادبیات از آن یاد می شود.

پانوشتها:

- ۱- تذکره (صبح گلشن)، تألیف سید محمد علی حسن خان، طبع بوپال هند، ۱۲۹۵ هجری.
- ۲- برای اطلاع بیشتر از پیشینه تذکره نویسی رجوع شود به: تاریخ تذکره های فارسی، تألیف مرحوم احمد گلچین معانی (در دو مجلد)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۰ - نیز رجوع شود به تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان، تألیف دکتر سید علیرضا نقوی، مؤسسه علمی، ۱۳۴۳.
- ۳- ابوطاهر خاتونی از شاعران و نویسندگان دوره سلجوقی و معاصر محمد بن ملکشاه سلجوقی بوده است. وی ظاهراً تذکره ای به نام (مناقب الشعراء) داشته که امروزه در دست نیست (سخن و سخنوران استاد فروزانفر)

۴- مانی بنیانگذار آیین مانوی (مقتول به سال ۲۷۶ میلادی) است و در سن ۲۴ سالگی ادعای پیامبری کرد و به وسیله فیروز برادر شاپور ساسانی به آن پادشاه معرفی شد. پس از چندی مورد بی میلی شاپور قرار گرفت و از ایران تبعید گردید، وی در ایام آوارگی به چین و هند مسافرت کرد و پس از مرگ شاپور در سال ۲۷۲ میلادی به ایران بازگشت، هرمز جانشین شاپور ورود او را گرامی داشت ولی پس از هرمز دیری نپایید که بهرام اول مانی را دستگیر کرد و مقتول ساخت، از جمله کتابهای مانی یکی (شاپورگان) و دیگر (ارژنگ یا ارتنگ) است که دارای تصاویر و نقاشی‌های زیبا بوده است.

(آزر) نام پدر حضرت ابراهیم خلیل (ع) بود. در بعضی منابع خادم وفادار حضرت ابراهیم بوده است. آزر به بتگری و بت تراشی معروف است. (بهزاد) نقاش و مینیاتور ساز مشهور اواخر عهد تیموری و اوایل دوره صفوی و از مردم هرات بوده است. وی تا اوایل سلطنت شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴) در قید حیات بوده است.

۵- نادی: مجلس، انجمن

۶- شاذ و فاذ، نادر و کمیاب

۷- ثلاثه غساله: سه پیاله شراب که میگساران به وقت صبح می نوشیدند.

۸- کلمه (ماده) در اصل نسخه نیست

۹- کوس لمن الملکی زدن: دعوی قدرت و اقتدار کردن.

۱۰- هفت قرائت: هفت شیوه در خواندن قرآن کریم است از این قرار:

قرائت اول از نافع مدنی، دوم از عبدالله ابن کثیر، سوم از ابو عمر و بصری، چهارم از ابن عامر شامی، پنجم از عاصم کوفی، ششم از حمزه کوفی، هفتم از کسائی.

۱۱- برای اطلاع بیشتر از احوال و آثار ابن سینا مراجعه شود به: تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تألیف مرحوم دکتر ذبیح الله صفا، ج اول، کتابفروشی ابن سینا، ۱۳۳۱ - و جشن نامه ابن سینا، تألیف دکتر ذبیح الله صفا.

۱۲- امامی هروی از شاعران معروف ایران در اوایل عهد ایلخانی است. بنابر روایتی مشهور و در عین حال مجهول چهار تن از فضیلات آن زمان نامه‌ای برای مجد همگر از شاعران آن دوران فرستادند و از او درباره شعر سعدی و امامی سؤال کردند. مجد همگر در پاسخ این رباعی را

فرستاد:

ما گرچه به نطق طوطی خوش نفسیم
بر شکر گفته‌های سعدی مگسیم
در شیوه شاعری به اجماع اُمم
هرگز من و سعدی به امامی نرسیم
و سعدی در پاسخ مجد همگر این رباعی را سرود:

هر کس که به پایگاه سامی نرسد
از بسخت بد و سیاه کامی نرسد
همگر که به عمر خود نکرده‌ست نماز
آری چه عجب گر به امامی نرسد
وفات امامی به سال ۶۸۶ هجری اتفاق افتاد (برای اطلاع بیشتر از احوال و آثار امامی
مراجعه شود به: تاریخ ادبیات در ایران، تألیف دکتر صفا، ج سوم بخش اول - و از سعدی تا
جامی تألیف ادوارد براون، ترجمه مرحوم علی اصغر حکمت).

۱۳- شیخ الاسلام ابواسماعیل بن محمد انصاری هروی از اعقاب ابویوب انصاری است.
رسائل خواجه عبدالله از قبیل: مناجاتنامه، قلندرنامه، محبتنامه، رساله دل و جان، رساله
واردات و الهی نامه معروف است. درگذشت این شاعر عارف به سال ۴۸۱ هجری اتفاق افتاد
(رجوع شود به: تاریخ ادبیات در ایران، دکتر صفا، ج ۲)

۱۴- ابو ایوب انصاری (در گذشته به سال ۵۲ ه.ق) از صحابه پیامبر اکرم (ص) بوده است.

۱۵- منازل السائرین (?)

۱۶- بسحق اطعمه معروف به شیخ اطعمه (درگذشته حدود ۸۱۴) از شاعران قرن هشتم و
نهم هجری بوده و دیوان او شامل اشعار فراوانی در وصف طعامهای مختلف است.

۱۷- مزعفر: پلو یا چلو که با زعفران، خوشبو و رنگین شده باشد.

۱۸- کلیچه: قرص نان، نوعی نان کوچک روغنی.

منابع:

۱- تاریخ تذکره‌های فارسی، احمد گلچین معانی، انتشارات دانشگاه، ۱۳۵۰ (دو جلد).

۲- تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح الله صفا، در دو دوره کامل.

۳- تذکره نویسی در هند و پاکستان، دکتر علیرضا نقوی، مؤسسه علمی، ۱۳۴۳.

